

• هفته‌نامه افق حوزه
ویژه‌نامه معرفی منظومه‌های علمی و آثار هنری
آیت‌الله محمد واصف لاهیجی بخطه
دوشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۰
۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۳
۲۱ نوامبر ۲۰۲۱

آیت‌الله

نگاهی گذرا

به منظومه‌های علمی و آثار هنری آیت‌الله محمد واصف لاهیجی

یکی از کارهایی که در قلمرو علوم اسلامی توسط عالمان شیعه انجام یافته، به نظم درآوردن این علوم است. این منظومه‌ها به صورت‌های مختلف قصیده، قطعه و ارجوزه در علوم صرف، نحو، لغت، معانی، بیان، بدیع، فقه، اصول، تاریخ، درایه، رجال، طب، نجوم، احکام، منطق، کلام، فلسفه، تفسیر و... سروود شده است.

آیت‌الله حاج شیخ محمد واصف گیلانی بخطه یکی از شخصیت‌های بزرگ ولی گمنام حوزه علمیه قم است که ضمن احاطه بر علوم حوزوی در برخی علوم دیگر نظری ریاضی، هندسه، شیمی، طب، نجوم و... تخصص و مهارت کم نظری داشته است. دانش گستردگی نبوغ فوق العاده، تسلط کامل بر دانش‌های گوناگون و تلفیق علم، دین و هنر از او یک شخصیت استثنایی ساخته و در طول حیات با برکتش قریب به ۲۰۰ اثر علمی و هنری از خود به جای گذاشته است. او علاوه بر تسلط بر فقه و حکمت، یک ادیب چیره دست و یک هنرمند خوش ذوق، خلاق و مبتکر نیز بود و در به نظم کشیدن موضوعات علمی و دینی ید طولی داشت. وی برخی از کتب مهم فقهی را به شکل بدیع در یک صفحه کامل به صورت درختی پرشاخ و برگ ترسیم نموده است و همه ابواب فقهی را به صورت کلی در ۶۴ بیت خلاصه نموده است و با علوم مختلف را در جداولی به صورت افقی و عمودی درهم کلاف نموده است که در نوع خود اعجاب‌آور است. در این نوشتار برخی از آثار هنری و منظوم آن بزرگ مردم الهی و آیت‌الله هنر، جهت معرفی اجمالی تقدیم خواندگان عزیز می‌شود.



اُساتید

اُساتید دوره خارج فقه و اصول آن بزرگوار عبارتند از آیات عظام:
۱. سید حسین طباطبائی بوجردی (متوفی ۱۳۸۰ق):
۲. سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ق):
۳. سید روح الله موسوی خمینی (متوفی ۱۳۹۰ق):
۴. سید محمد محقق داماد (متوفی ۱۳۸۸ق):

عالی جلیل القدر آیت‌الله شیخ محمد واصف لاهیجی، در بهار سال ۱۳۰۵ شمسی در قریه «دهکا» در پیست کلومتری شمال شهر لاهیجان و در خانواده‌ای متدين چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارش کربلای ابوالقاسم، مردی متدين و خدا ترس بود، او در ایام ماه مبارک رمضان و صفر میزبان روحانیوی بود که برای تبلیغ آموزه‌های دینی از حوزه‌های علمیه قم یا مشهد به این سامان می‌آمدند. محمدآقا در کودکی گوشش کبر و خجالتی بود و از بازی و جست و خیز با هم سر و سال خود دوری می‌کرد بیشتر دوست می‌داشت به جای بازی با کودکان و شرکت کردن در جنجال‌های آنان، با خود حلوت کرد و به تماشای طبیعت بکر و زیبای روستا و پرواز پینگان و اسرار حلقت ماه و ستاره و آفتاب و آسمان برجست شود.

تولد و کودکی

وی در این باره می‌گوید: «هشت یا ده ساله بودم، قایق کوچکی برمی‌داشت و یکه و تنها وسط آبگردی‌های کشاورزی که به زبان محلی «شل» می‌گویند، می‌رفتم و در سکوت دل انگیز آب‌های قدرات باران بر مصاب اهل بیت علیهم السلام به خصوص زنگها و مصیبتهای خانم رقیه علیها السلام دختر سه ساله ابا عبدالله الحسین نثار می‌کرد و چون آرام می‌شد به خانه باز می‌گشتم، بدون آن که کسی از این ماجرا باخبر باشد».

نشانه‌های فوق العاده نبوغ در نوجوان

مرحوم آیت‌الله واصف در مقامه جلد هفتم دیوان خود، این چنین نوشته است: «به اقتضای سن و سال خودم که هنوز به سن بلع نرسیده بودم، شعر می‌سرودم پدرم خوده مالک بود و باغ تنوی داشت به نام آیینه باع» و چند تلمسان محل پورش کرم نوغان ابریشم داشت و من اول و سرط و آخر هر ما روزه می‌گفتم و در آن زمان بای برگ گذاری جهت تقدیمه کرم ابریشم به این باغ می‌رفتم و بعضی از اشعار را می‌سردم و می‌گریستم و پدر و مادرم گاهی چشم‌های اشک‌الله مرا می‌دیدند و بازحت می‌شدند چه سازان که کسی از حالم باخیر شنود، تکتا یا قایق کوچک چوبی متعلق به خانواده‌ام را بر می‌داشت و در آبگردی‌ها باستخر محلی می‌رفتم و به بهانه تهیه هیزم با خجالت راحت که بزرگ‌گشتن می‌کردم و اشعار خود را آب داده بخوبی می‌خورد و در آغاز بهار در گیلان به فور دیده می‌شود که از آن مرکب ساخته بودم، پاک‌نویس می‌کردم و اکنون که حدود پنجاه سال آن دوران می‌گذرد، بعضی از آن دفاتر نزد من موجود است در این اواخر شعرهای بسیار می‌سردم و حدود پنجاه ارجوزه و جزو شعر آن من به چاپ رسیده است. لیکن آن حالت اخلاص و پیچه‌گاهانی که در کودکی و کودکی و در اولیان بلع سرودم در جلد اول تا پنجم به اسم «دیوان واصف» به چاپ رسیده است.

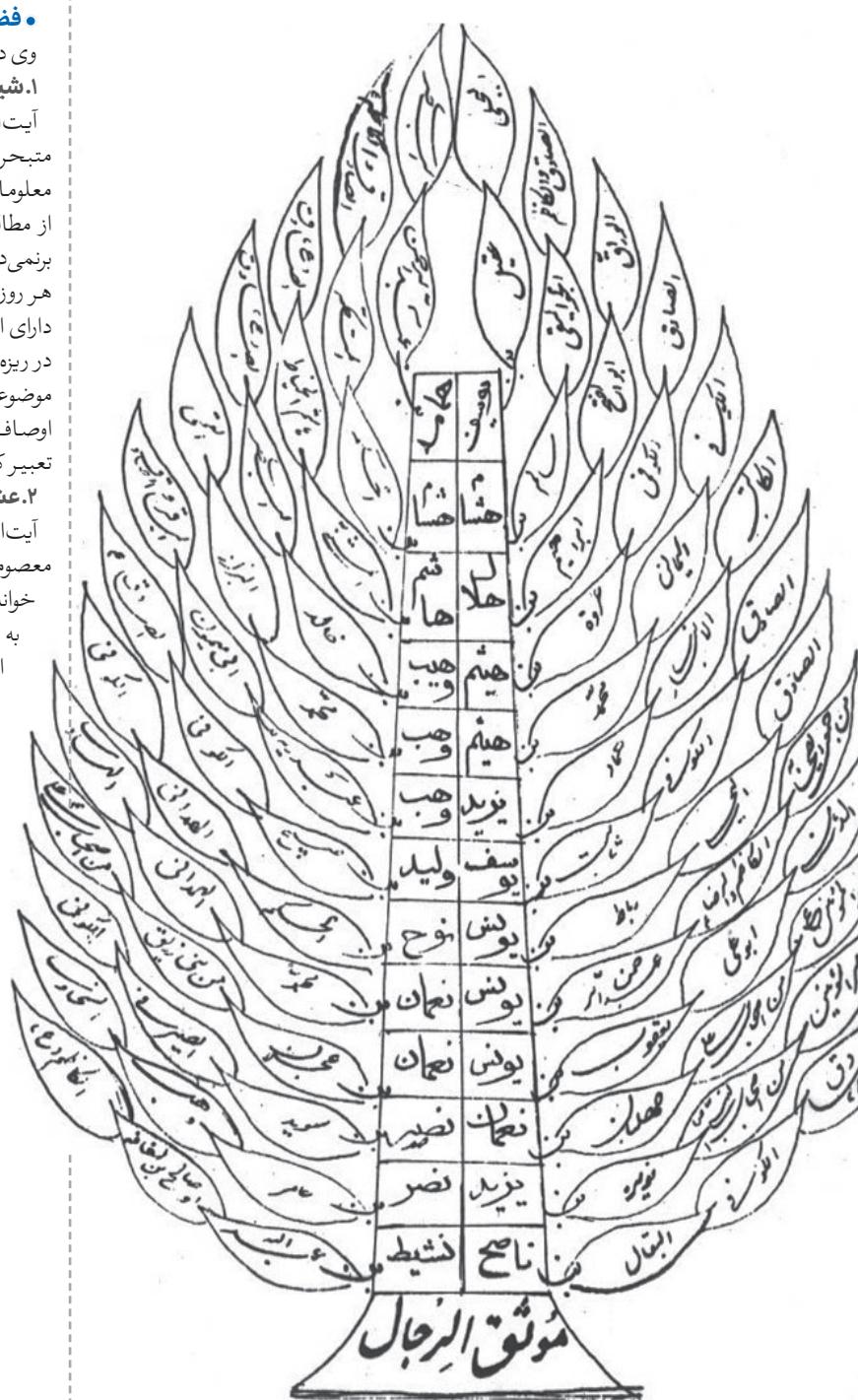
تحصیلات کلاسیک

آیت‌الله واصف تحصیلات جدید آن زمان را فراگرفت. شش سال تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید و بعد به شهر لاهیجان رفت و در تنهای دیبرستان این شهر به نام «ابراهیم‌ثابت» نکرد که سال سوم دیبرستان تحصیل کرد و با زبان فرانسه و علوم شیمی، فیزیک و ریاضی آشنای شد؛ اما روح بلند و اندیشه والاشریاب نمی‌گشت؛ کویا دوست می‌داشت که باز هم چون پرستوی سیک بال پرواز کند و به درودست ها برو، تا آین و هگذر، ذهن جست و جوگر و قادر را از جام معرفت والاتری سیراب نماید.

جهت به قرق

وی در حالی که جوانی شانده ساله بود در سال ۱۳۲۱ شمسی به اتفاق عالم جلیل القدر شیخ محمد صابری لاهیجانی از دوستان پدش وارد حوزه علمیه قم شدند و در منزل ایشان، اناقی به اشان اختصاص داده شد. از همان آغاز طلگی با تاشه و جدیت فوق العاده دروس حوزوی و کتاب‌های متداول آن حصر را به سرعت به پایان رساند، چنانکه خودش می‌گوید: «مقدمات را در همان سال اول نزد یکی از علماء که راضی نیستم نامش برده شود تلمذ نمودم، ولی سال بعد همان استاد، سیوطی را نزد من تلمذ کرد». سرعت و پیشرفت تحصیل شان سریع وی و قفعه بود و این موضوع را خود آن مرحوم به نظم درآورده است:

مطلوب به زودی درآورده است:
به تحصیل کردم پایی قیام
به نظم جلی منطق و هم بیان
کشیدم به اعجاز طبع روان
از آن حد گذشتیم عجل امدم



۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ق):
۶. سید محمد ضاض موسوی گلپایگانی (متوفی ۱۴۱۵ق):
۷. میرزا هاشم آملی (متوفی ۱۴۱۳ق):
۸. شیخ محمد تقی بهجت گیلانی (متوفی ۱۴۰۰ق):
۹. عالمه سید محمد حسین طباطبائی (متوفی ۱۴۰۲ق):
وی طبق سنت پسندیده حوزه‌های علمیه همه با تحصیل به تدریس علوم حوزوی اشتغال ورزید و توانست مبانی خود را استوار سازد و از برخی از اساتید یادداشتگاه اجتهد بگیرد.

فضایل و کمالات

وی دارای اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی و علمی فراوانی بود که برخی از آن‌ها عبارتند از:
۱. شیخ‌بهایی زمان
آیت‌الله واصف از نظر علمی مرد جامعی بود و در فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال و... مeticulous و صاحب نظر بود و در سایر علوم همانند شیمی و فیزیک ریاضی، هندسه، طب دارای معلومات وسیع و گسترده‌ای بودند. در ادبیات فارسی و عربی مهارت ویژه‌ای داشت. وی همچ‌که از مطالعه، تحقیق و تئیین و مذاکره علمی خسته نمی‌شد در سفر و حضور دست از نوشتن بزندی داشت. مطالعات ایشان منحصر به فقه و اصول یا تاریخ و کلام... نبود بلکه مقید بوده هر روز مجلات و روزنامه‌ها را هم مطالعه نمایند. او در سپاهی از علوم، ظرفی صائب داشت و دارای ابتكارات و نوآوری‌های علمی و ادبی بزیادی بود. زیاد فکر می‌کرد و کمتر سخن می‌گفت. در روزه کاری‌های عالی، استبانتهای دقیق و طریقی داشت. در سرودن اشعار و به نظم کشیدن موضوعات تخصصی صاحب مهارت کامل و سیک و روش مخصوص بودند که به واسطه همین اوصاف جامعیت ادبی و علمی، حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی از او به شیخ‌بهایی زمان ما تعییر کرده است.

۱۲. عشق به خاندان عصمت و طهارت

آیت‌الله واصف عشق و عاده وصف نایابی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت و فضایل و مناقب ائمه معصومین صلی الله علیه و آله و سلم را در کتاب‌های مختلفی به صورت نظم و نثر تکاشت. او هنگام سرودن اشعار و خواندن و شنیدن روضه برای اهل بیت علیهم السلام متنقل می‌شد و ساخت می‌گریست و لحظه‌ای از توسل به حضرات معمصومین صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پادی نکرد، که این امر سبب ناراحتی و اعتراض محروم والد ماند و به سخنرانی اعراض کرد و فرمود: چرا از جدت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و سلم یادی نکردی و سخن نگفتی؟ این هم از مظلومیت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و سلم است که در شبی که متعلق به آن حضرت بوده، از ایشان یاد نشود.

۳. قدردانی از اساتید

برای اساتید بزرگوار خوش، کمال ادب و احترام و فوتوخی خاصی را مبذول داشته است و درباره اوصاف و کمالات اخلاقی و علمی هر کدام از آن اشعار سروده‌اند. او به امام راحل پیار عشق و فوتوخی خاصی را مبذول داشته است و پس از اساتید بزرگوار خوش، کمال ادب و احترام و فوتوخی خاصی را مبذول داشته است و اشعارش، شعرهای فراوانی سروده‌اند که چاپ شده است. تمنه‌ای از اشعار عربی وی که به مناسبت از تخلص امام صلی الله علیه و آله و سلم سروده‌اند بدین شرح است:

حجۃ فی العلم والاسلام کف العالمین
کنت عند الدین والاسلام خیر القائدین
قدر حلة الاباء عند الموقفين
جنت للخلق اماماً قائدآللحرابین
کنت روح الله في اعلاه امیرالمؤمنین
انت عند الله في جنوب الامیرالمؤمنین
بامام العصر فاقیل من عبید الطالبین
بامیه الفهنا بغایلی فیغایلی عیننا
بامیه الفهنا بغایلی فیغایلی عیننا

ادامه در صفحه بعد